

بررسی و شناخت صلاحیت دادگاه

در رسیدگی به دعوای موضوع موافقت نامه داوری

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۶/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۹/۱۲)

حسین منصوری^۱

دکتر فاطمه انتشاری

چکیده

موافقت نامه داوری به عنوان تجلی اصل حاکمیت اراده در حل و فصل اختلافات، همواره پرسش مهمی را در برابر نظام دادرسی دولتی قرار می دهد: دادگاه در مواجهه با دعوایی که موضوع آن تحت پوشش شرط یا موافقت نامه داوری است، چه حدودی از صلاحیت برای رسیدگی دارد و در چه شرایطی باید از رسیدگی امتناع کند؟ این مقاله با رویکردی تحلیلی - توصیفی و با تکیه بر مبانی نظری داوری، قوانین داخلی و اصول حاکم بر داوری های نوین، به بررسی اثر موافقت نامه داوری بر صلاحیت دادگاه می پردازد. در گام نخست، مفهوم، ماهیت و شرایط اعتبار موافقت نامه داوری و نیز نظریه استقلال شرط داوری تبیین می شود. یافته های پژوهش نشان می دهد که موافقت نامه داوری نه به معنای سلب مطلق صلاحیت ذاتی دادگاه، بلکه ناظر بر محدودسازی صلاحیت رسیدگی ماهوی و انتقال آن به داور است؛ با این حال، دادگاه نقش حمایتی و نظارتی خود را در مراحل ارجاع، تأمین دلیل یا دستور موقت، و نظارت پسینی بر رأی داوری حفظ می کند. به هر صورت با توجه به اهمیت این بحث در این مقاله قصد داریم به بررسی و شناخت صلاحیت دادگاه در رسیدگی به دعوای موضوع موافقت نامه داوری بپردازیم.

واژگان کلیدی: موافقت نامه داوری، صلاحیت دادگاه، صلاحیت داور، داوری بین المللی

^۱ نویسنده مسئول

مقدمه

داوری در حقوق معاصر دیگر صرفاً یک شیوه فرعی حل اختلاف نیست، بلکه به عنوان نهادی کارآمد، سریع و مبتنی بر اراده طرفین، جایگاهی تثبیت شده در نظام های حقوقی ملی و بین المللی یافته است. گسترش روابط تجاری و مدنی، تخصصی شدن اختلافات، و نیاز به سازوکارهای انعطاف پذیر برای حل و فصل دعاوی، سبب شده است که اشخاص حقیقی و حقوقی به طور فزاینده توافقی کنند اختلافات خود را به داور داری ارجاع دهند. این توافق که معمولاً در قالب «شرط داور داری» ضمن قرارداد اصلی یا «موافقت نامه داور داری مستقل» واقع می شود، در ظاهر باید راه مراجعه به دادگاه را مسدود یا دست کم محدود کند. با این حال، واقعیت حقوقی پیچیده تر است؛ زیرا دادگاه ها همچنان بخشی از معماری داور داری را شکل می دهند و در مقاطع مختلف، نقش های حمایتی و نظارتی ایفا می کنند.

پرسش بنیادین این است که وجود موافقت نامه داور داری، دقیقاً چه اثری بر صلاحیت دادگاه دارد؟ آیا دادگاه از حیث ذاتی فاقد صلاحیت می شود یا صرفاً حق رسیدگی ماهوی او به سبب توافق طرفین معلق یا محدود می گردد؟ همچنین در صورت طرح دعوا نزد دادگاه برخلاف وجود شرط داور داری، دادگاه باید چگونه واکنش نشان دهد؟ پاسخ به این پرسش ها نه تنها از منظر نظری اهمیت دارد، بلکه در عمل نیز تعیین کننده مسیر رسیدگی و تضمین کننده کارایی داور داری و امنیت حقوقی طرفین است. در حقوق ایران، از یک سو اصل حق دادخواهی و صلاحیت عام دادگستری برای رسیدگی به تظلمات، یک قاعده بنیادین و مرتبط با نظم عمومی تلقی می شود. از سوی دیگر، قانون گذار در قوانین مرتبط با داور داری - چه در قانون آیین دادرسی مدنی و چه در قانون داور داری تجاری بین المللی - به اراده طرفین در خروج اختلاف از دادگاه و ارجاع به داور احترام گذاشته است. نتیجه این همزیستی دو اصل، وضعیتی است که در آن موافقت نامه داور داری نه به طور مطلق دادگاه را کنار می زند و نه دادگاه را بی تفاوت باقی می گذارد.

ابهامات اصلی در این حوزه را می توان در چند محور خلاصه کرد:

۱. ماهیت اثر موافقت نامه داور داری بر صلاحیت دادگاه: آیا اثر آن «نفی صلاحیت» است یا «عدم استماع دعوا»؟ به بیان دیگر، دادگاه اصولاً صالح نیست یا صالح هست ولی حق ورود ماهوی ندارد؟

۲. مرز صلاحیت دادگاه و داور در تشخیص اعتبار موافقت نامه داور داری: اصل صلاحیت

نسبت به صلاحیت (Kompetenz-Kompetenz) اقتضا می‌کند داور ابتدا درباره صلاحیت خود اظهار نظر کند، اما در عمل دادگاه چه اندازه می‌تواند اعتبار شرط داوری را بررسی کند؟

۳. نقش ایراد خوانده: آیا دادگاه باید رأساً به وجود موافقت‌نامه توجه و از رسیدگی امتناع کند، یا این امر منوط به ایراد خوانده است و در صورت سکوت وی، رسیدگی دادگاه ادامه می‌یابد؟

۴. تعارض‌ها و چرخش‌های رویه قضایی: تصمیم‌های دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر، و نیز برخی آرای وحدت رویه، گاه برداشت‌های متفاوتی از نوع و آثار موافقت‌نامه داوری ارائه داده‌اند؛ امری که خود موجب نااطمینانی نسبت به مرز صلاحیت دادگاه شده است.

بخش اول: مفهوم، ماهیت و شرایط اعتبار موافقت‌نامه داوری

بند اول: مفهوم موافقت‌نامه داوری و اقسام آن

موافقت‌نامه داوری توافقی است که به موجب آن طرفین یک رابطه حقوقی، تصمیم می‌گیرند اختلافات ایجادشده یا احتمالی خود را — به جای دادگاه دولتی — به داوری ارجاع دهند. این توافق، بنیاد حقوقی داوری و منشأ صلاحیت داور است؛ به بیان دقیق‌تر، داوری بدون موافقت‌نامه داوری قابل تصور نیست و همه‌ی آثار حقوقی داوری در گرو تحقق و اعتبار همین توافق است. موافقت‌نامه داوری معمولاً در دو قالب اصلی ظهور می‌کند:

۱. شرط داوری (Arbitration Clause)

شرط داوری توافقی است که در ضمن قرارداد اصلی درج می‌شود و ناظر به اختلافات آینده‌ای است که ممکن است از تفسیر، اجرا یا نقض همان قرارداد ناشی گردد. شرط داوری به لحاظ زمانی «پیشینی» است؛ یعنی پیش از بروز اختلاف منعقد می‌شود و بر مبنای پیش‌بینی عقلایی طرفین از امکان اختلاف شکل می‌گیرد. کارکرد شرط داوری، پیشگیری از ورود اختلاف به دادگاه و تعیین مسیر حل و فصل آن از پیش است.

۲. موافقت‌نامه داوری مستقل یا قرارداد داوری (Submission Agreement)

این نوع توافق پس از بروز اختلاف منعقد می‌شود و طرفین در مقام حل اختلاف موجود، ارجاع آن به داور را می‌پذیرند. در اینجا اختلاف معلوم و بالفعل است و اراده طرفین بر خروج دعوا از دادگاه، به‌صورت شفاف‌تر و با تعیین موضوع اختلاف شکل می‌گیرد.

این تفکیک، در تحلیل صلاحیت دادگاه اهمیت دارد؛ زیرا در شرط داوری، مسئله «شمول اختلاف» بر شرط و تفسیر آن غالباً محل نزاع می‌شود، در حالی که در قرارداد داوری مستقل، موضوع اختلاف روشن تر است و دادگاه در مرحله ابتدایی با احتمال کمتری برای ورود ماهوی مواجه می‌شود.

بند دوم: ماهیت حقوقی موافقت‌نامه داوری

در تحلیل ماهیت موافقت‌نامه داوری دو بعد باید هم‌زمان دیده شود:

الف) بعد قراردادی (Contractual Nature)

موافقت‌نامه داوری از جنس قرارداد است؛ بنابراین تحت قواعد عمومی قراردادها قرار می‌گیرد:

- مبتنی بر تراضی است؛
 - انتقال‌دهنده‌ی یک حق یا معرفی‌کننده‌ی یک تکلیف قراردادی است؛
 - و می‌تواند مانند سایر قراردادها با جهات بطلان یا فسخ روبه‌رو شود.
- به همین جهت، داوری را باید «نهاد ارادی» دانست: دادگاه فقط زمانی از رسیدگی ماهوی کنار می‌رود که توافق معتبر طرفین بر داوری وجود داشته باشد.
- ب) بعد آیینی - قضایی (Procedural/Jurisdictional Nature)
- در عین حال، موافقت‌نامه داوری اثر آیینی دارد؛ یعنی مسیر دادرسی را تغییر می‌دهد و بر صلاحیت مرجع رسیدگی تأثیر می‌گذارد. این اثر آیینی سبب می‌شود که برخی نویسندگان آن را «توافق بر صلاحیت» یا «قرارداد صلاحیتی» بدانند. نتیجه مهم این نگاه آن است که:
- موافقت‌نامه داوری، نه صرفاً یک تعهد مدنی، بلکه یک قاعده‌ی توزیع صلاحیت بین دادگاه و داور است.
 - بنابراین، دادگاه ناگزیر است در مرحله ابتدایی طرح دعوا، نسبت به وجود و اعتبار این توافق موضع بگیرد؛ هرچند این موضع‌گیری می‌تواند اجمالی باشد.

بند سوم: نظریه استقلال شرط داوری و پیامدهای آن

یکی از اصول کلیدی داوری، اصل استقلال موافقت‌نامه داوری یا تفکیک‌پذیری آن از عقد اصلی است. (Separability) به موجب این اصل:

۱. شرط داوری «تابع مطلق» قرارداد اصلی نیست.
۲. بطلان، فسخ یا انفساخ قرارداد اصلی لزوماً به بطلان شرط داوری نمی‌انجامد.

۳. داور می‌تواند حتی در فرض ادعای بی‌اعتباری عقد اصلی، درباره آن اظهارنظر کند؛

زیرا مبنای صلاحیت او (شرط داوری) مستقل شمرده می‌شود.

اهمیت این اصل در بحث صلاحیت دادگاه روشن است: اگر شرط داوری مستقل باشد، دادگاه نمی‌تواند صرف ادعای بطلان قرارداد اصلی را بهانه ورود کامل در ماهیت اختلاف قرار دهد. بلکه باید ابتدا اعتبار خود شرط داوری را جداگانه بررسی کند. به تعبیر دیگر، استقلال شرط داوری نوعی «فیلتر» در برابر مداخله زودهنگام دادگاه ایجاد می‌کند و مسیر را برای اجرای اصل صلاحیت نسبت به صلاحیت هموار می‌سازد.

بند چهارم: شرایط اعتبار موافقت‌نامه داوری

از آنجا که موافقت‌نامه داوری قرارداد است، شرایط صحت آن به دو دسته تقسیم می‌شود. دسته اول شامل شرایط عمومی صحت قراردادهای می‌باشد و دسته دوم دربرگیرنده موضوع مهم شرایط اختصاصی داوری است.

الف) شرایط عمومی

۱. اهلیت طرفین

طرفین باید اهلیت قانونی برای انعقاد قرارداد داشته باشند. فقدان اهلیت، شرط داوری را بی‌اعتبار می‌کند و دادگاه در این حالت صالح خواهد بود.

۲. قصد و رضای معتبر

توافق باید آزادانه و بدون اکراه، اشتباه مؤثر یا تدلیس شکل گرفته باشد. در صورت مخدوش بودن رضا، دادگاه می‌تواند شرط داوری را غیرقابل اجرا بداند.

۳. معین بودن موضوع توافق

باید معلوم باشد که چه اختلافاتی به داوری ارجاع شده است. ابهام شدید در دامنه اختلافات، شرط را از اعتبار می‌اندازد و باعث بازگشت صلاحیت به دادگاه می‌شود.

ب) شرایط اختصاصی داوری

۱. قابلیت داوری موضوع اختلاف

همه اختلافات قابل ارجاع به داور نیستند. در نظام حقوقی ایران، مواردی که با نظم عمومی، حقوق غیرقابل اسقاط یا صلاحیت‌های انحصاری دادگاه‌ها گره خورده‌اند، اصولاً از قلمرو داوری خارج‌اند. بنابراین اگر موضوع اختلاف غیرقابل داوری باشد، دادگاه نه تنها می‌تواند بلکه باید رسیدگی کند.

۲. شکل و صورت موافقت‌نامه

قانون‌گذار در مواردی بر کتبی بودن یا دست‌کم قابل اثبات بودن توافق داوری تأکید کرده است. فلسفه این الزام، جلوگیری از سوءاستفاده و ایجاد قطعیت در خروج دعوا از دادگاه است. هرگاه شکل قانونی رعایت نشود، دادگاه نمی‌تواند خود را مقید به امتناع از رسیدگی بداند.

۳. قابلیت اجرا (Enforceability)

حتی اگر شرط داوری معتبر باشد، باید قابل اجرا نیز باشد؛ برای مثال:

- داور یا نهاد داوری به‌طور کلی ناممکن نشده باشد؛
 - شرط داوری به بن‌بست عملی نرسد؛
 - یا آن‌قدر مبهم نباشد که امکان تعیین داور یا آیین داوری وجود نداشته باشد.
- در این صورت، دادگاه می‌تواند دعوا را قابل استماع بداند.
- در جمع‌بندی تمامی مطالب این بخش و پیوند آن با بحث صلاحیت دادگاه و به‌طور کلی آنچه از مباحث فوق به دست می‌آید این است که:

۱. صلاحیت داور مستقیماً از موافقت‌نامه داوری ناشی می‌شود؛ پس دادگاه در مواجهه با دعوا باید قبل از هر چیز وجود و اعتبار این موافقت‌نامه را بررسی کند.
۲. اثر موافقت‌نامه داوری بر دادگاه آیینی است؛ یعنی مسیر رسیدگی را تغییر می‌دهد، نه اینکه لزوماً صلاحیت ذاتی دادگاه را از بین ببرد.
۳. استقلال شرط داوری و اصل صلاحیت نسبت به صلاحیت اقتضا می‌کند که دادگاه فقط کنترل اولیه و اجمالی داشته باشد و از ورود ماهوی پرهیز کند مگر در موارد استثنایی (مثل بطلان آشکار یا غیرقابل داوری بودن موضوع).

بخش دوم: اثر موافقت‌نامه داوری بر صلاحیت دادگاه در حقوق ایران

همانطور که گفتیم در نظام حقوقی ایران، داوری در کنار دادرسی دولتی به‌عنوان شیوه‌ای قراردادی برای حل اختلاف پذیرفته شده است. نقطه آغاز داوری، موافقت‌نامه داوری است و همین توافق است که مسیر رسیدگی را از دادگاه به مرجع داوری منتقل می‌کند. قانون آیین دادرسی مدنی (باب هفتم، مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱) اصل امکان ارجاع اختلاف به داوری را بیان می‌کند و اجازه می‌دهد طرفین چه قبل از بروز اختلاف (شرط داوری) و چه بعد از آن (قرارداد داوری) اختلاف را به داور بسپارند اما اثر این توافق بر صلاحیت دادگاه، یک اثر

ساده و تک‌لایه نیست؛ زیرا دادگاه در حقوق ایران صلاحیت عام برای رسیدگی به تظلمات دارد و داوری نهادی استثنایی و ارادی است. بنابراین باید دقیق روشن شود که با وجود موافقت‌نامه داوری، دادگاه:

۱. آیا اصولاً «صالح» نیست؟

۲. یا صالح هست ولی «حق رسیدگی ماهوی» ندارد؟

۳. و در صورت طرح دعوا نزد دادگاه، واکنش شکلی صحیح چیست؟

برای پاسخ، باید میان داوری داخلی ذیل قانون آیین دادرسی مدنی و داوری تجاری بین‌المللی ذیل قانون داوری تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶ تفکیک کرد؛ چون قانون اخیر در مواد کلیدی خود اثر موافقت‌نامه بر دادگاه را روشن‌تر و صریح‌تر بیان کرده است.

بند اول: اثر موافقت‌نامه داوری در داوری داخلی

۱- مبنای قانونی

ماده ۴۵۴ ق.آ.د.م اعلام می‌کند هرگاه اشخاص دارای اهلیت، با تراضی اختلاف را به داوری ارجاع دهند، این ارجاع معتبر است؛ و ماده ۴۵۵ نیز شرط داوری ضمن قرارداد یا توافق جداگانه را به رسمیت می‌شناسد. با وجود این، در داوری داخلی ایران نصی معادل ماده ۸ قانون داوری تجاری بین‌المللی که دادگاه را مکلف به احاله دعوا به داوری کند، وجود ندارد. همین خلأ موجب شده نقش دادگاه ارزش تفسیری و رویه‌ای پیدا کند و در دکترین دو برداشت شکل بگیرد:

- برداشت اول: موافقت‌نامه داوری، دادگاه را از رسیدگی «فاقد صلاحیت» می‌کند.
- برداشت دوم (غالب‌تر): دادگاه از حیث ذاتی صالح باقی می‌ماند، اما دعوا «قابل استماع» نیست یا رسیدگی ماهوی باید متوقف شود.

دکترین شاخص ایران (مثل عبدالله شمس) عمدتاً برداشت دوم را تقویت کرده‌اند و معتقدند اثر شرط داوری «سلب صلاحیت ذاتی» نیست، بلکه محدودسازی قابلیت رسیدگی ماهوی دادگاه است.

بند دوم: تحلیل ماهوی اثر شرط داوری

با درج شرط داوری، طرفین تعهد می‌کنند اختلاف را در داوری طرح کنند؛ پس اگر یکی از آنها برخلاف تعهد به دادگاه رجوع کند، مسئله در سطح آیینی این‌گونه صورت‌بندی می‌شود:

۱. دادگاه باید ابتدا احراز کند که شرط داوری وجود دارد و الزام‌آور است. اگر از مفاد قرارداد چنین برآید که ارجاع به داوری صرفاً اختیاری/تخیری بوده، مراجعه به دادگاه عدول از داوری تلقی می‌شود و مانع صلاحیت دادگاه نیست.
 ۲. اگر شرط داوری الزام‌آور باشد، دادگاه نباید وارد ماهیت اختلاف شود و باید رسیدگی ماهوی را متوقف کند.
 - در ادبیات رویه‌ای، این توقف گاهی تحت عنوان «قرار عدم استماع دعوا» و گاهی «قرار رد دعوا به جهت وجود شرط داوری» بیان می‌شود. نکته مهم این است که این واکنش، برخاسته از احترام به توافق داوری است نه فقدان صلاحیت ذاتی دادگاه.
 ۳. موارد استثنایی که دادگاه می‌تواند رسیدگی کند عبارت‌اند از:
 - بطلان یا بی‌اعتباری آشکار شرط داوری؛
 - غیرقابل داوری بودن موضوع (مثلاً دعوای وابسته به نظم عمومی یا حقوق غیرقابل اسقاط)؛
 - غیرقابل اجرا شدن داوری (بن‌بست عملی در تعیین داور و ...)
 - در این فروض، تعهد داوری فرو می‌ریزد و دادگاه صلاحیت و قابلیت رسیدگی ماهوی را بازیابی می‌کند.
 - به این ترتیب در داوری داخلی، اثر موافقت‌نامه داوری را باید «منع رسیدگی ماهوی» دانست، نه نفی مطلق صلاحیت قضایی؛ دادگاه همچنان مرجع ناظر و پشتیبان است و در موقعیت‌های لازم مداخله می‌کند (مثلاً در تعیین داور یا رسیدگی به بطلان رأی).
- بند سوم: اثر موافقت‌نامه داوری در داوری تجاری بین‌المللی**
- ۱- ماده ۸ و الزام دادگاه به احاله دعوا به داوری
- قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران صراحتاً تکلیف دادگاه را روشن کرده است. ماده ۸ مقرر می‌کند:
- هرگاه دعوای مشمول موافقت‌نامه داوری نزد دادگاه مطرح شود، دادگاه در صورت درخواست یکی از طرفین تا پایان اولین جلسه باید دعوا را به داوری احاله کند، مگر اینکه موافقت‌نامه را «باطل، ملغی‌الاثرب یا غیرقابل اجرا» تشخیص دهد. همچنین طرح دعوا در دادگاه مانع شروع یا ادامه داوری نیست.

نهایتاً نتیجه‌های مهم این ماده به شرح ذیل می باشد:

۱. اثر منفی اصل صلاحیت نسبت به صلاحیت در حقوق ایران (در حوزه بین‌المللی) به‌طور صریح پذیرفته شده است؛ یعنی تقدم داورى بر دادگاه.

۲. دادگاه در مرحله پیشینی تنها کنترل اجمالی دارد: اگر بطلان/عدم قابلیت اجرا آشکار نباشد، باید کنار برود.

۳. درخواست طرف نقش کلیدی دارد: اگر خوانده تا پایان اولین جلسه ایراد نکند، دادگاه می‌تواند رسیدگی را ادامه دهد؛ موضوعی که در رأی وحدت رویه ۰۲۰۰۰۲۳ (۱۴۰۲/۸/۲۳) و نقدهای بعدی، محل گفت‌وگوی جدی بوده است.

۲- ماده ۱۶ و تثبیت صلاحیت داور در تشخیص صلاحیت خود

ماده ۱۶ قانون ۱۳۷۶ اعلام می‌کند داور می‌تواند درباره صلاحیت خود و وجود یا اعتبار موافقت‌نامه تصمیم بگیرد و شرط داورى مستقل از قرارداد اصلی است؛ بطلان قرارداد اصلی به‌خودی‌خود شرط داورى را باطل نمی‌کند. این حکم دو اثر مستقیم بر صلاحیت دادگاه دارد:

- دادگاه نباید صرف ادعای بطلان قرارداد اصلی را مجوز ورود ماهوی بداند.
- رسیدگی تفصیلی درباره اعتبار شرط، اصلاً در صلاحیت اولیه داور است و دادگاه فقط نظارت پسینی محدود دارد.

بند چهارم: صورت‌بندی درست واکنش دادگاه: «عدم صلاحیت» یا «عدم استماع»؟

یکی از ظریف‌ترین بحث‌ها در حقوق ایران، عنوان و ماهیت تصمیم دادگاه در فرض وجود شرط داورى است. از تحلیل مقررات و دکترین، این تمایز نتیجه می‌شود:

- عدم صلاحیت ذاتی دادگاه زمانی مطرح است که قانون صلاحیت را از دادگاه گرفته باشد (مثلاً صلاحیت انحصاری مراجع خاص)
- در داورى، صلاحیت دادگاه به‌صورت قراردادی محدود می‌شود؛ یعنی دادگاه به احترام اراده طرفین از رسیدگی ماهوی کنار می‌رود. بنابراین عنوان صحیح‌تر، نزدیک به «عدم استماع دعوا» یا «توقف رسیدگی ماهوی به جهت وجود موافقت‌نامه داورى» است.

دکتر عبدالله شمس نیز در تحلیل خود همین نکته را برجسته می‌کند که شرط داوری دادگاه را از «ورود ماهوی» منع می‌کند نه از صلاحیت ذاتی.

نهایتاً در جمع‌بندی این بخش از مقاله باید گفت:

۱. در داوری داخلی، موافقت‌نامه داوری اثر «منع یا توقف رسیدگی ماهوی» دارد و

دادگاه از حیث ذاتی صالح باقی می‌ماند، مگر اینکه شرط داوری نامعتبر/غیرقابل

اجرا یا موضوع غیرقابل داوری باشد.

۲. در داوری تجاری بین‌المللی، ماده ۸ دادگاه را مکلف به احاله دعوا به داوری

می‌کند و اثر منفی اصل صلاحیت نسبت به صلاحیت را به‌طور صریح می‌پذیرد؛

دادگاه فقط کنترل اجمالی و استثنایی دارد.

۳. عنوان درست واکنش دادگاه در فرض وجود شرط داوری، بیشتر «عدم

استماع/عدم ورود ماهوی» است تا «عدم صلاحیت ذاتی»؛ چون منشأ محدودیت،

قرارداد است نه قانون.

نتیجه‌گیری

این مقاله نشان داد فهم دقیق رابطه‌ی داوری و دادگاه، مستلزم تفکیک میان صلاحیت ذاتی

دادگاه و قابلیت استماع یا ورود ماهوی است؛ زیرا موافقت‌نامه داوری در حقوق ایران نه یک

مانع قانونی مطلق برای صلاحیت دادگاه، بلکه توافقی خصوصی برای انتقال مرجع رسیدگی

ماهوی از دادگاه به داور است. به بیان دیگر، داوری در نظام حقوقی ایران استثنایی بر

صلاحیت عام دادگاه‌هاست، اما این استثناء از مسیر «حاکمیت اراده‌ی معتبر» فعال می‌شود،

نه از مسیر سلب قانون‌گذارانه‌ی صلاحیت قضایی. در ادامه، تحلیل مقررات داخلی نشان داد

که در داوری داخلی (ذیل قانون آیین دادرسی مدنی) هرچند نص صریحی در الزام دادگاه

به احاله دعوا به داوری وجود ندارد، اما از روح مواد باب داوری و نیز مبانی نظری حاکم بر

داوری می‌توان نتیجه گرفت که اثر موافقت‌نامه داوری در این حوزه منع ورود ماهوی و عدم

استماع دعوا است، نه نفی ذاتی صلاحیت دادگاه. دادگاه از جهت «صلاحیت عام» همچنان

واجد صلاحیت است، اما به احترام تعهد داوری، باید از رسیدگی ماهوی خودداری کند. در

داوری تجاری بین‌المللی (ذیل قانون ۱۳۷۶) این نتیجه صراحتاً در ماده ۸ بیان شده است:

دادگاه مکلف است در صورت درخواست به‌موقع خوانده، دعوا را به داوری احاله کند؛ مگر

اینکه موافقت‌نامه را باطل، ملغی‌الاثرب یا غیرقابل اجرا بداند. به این ترتیب، در حوزه

بین‌المللی، اثر منفی اصل صلاحیت نسبت به صلاحیت به‌صورت روشن در حقوق ایران پذیرفته شده و دادگاه به «مرجع پشتیبان» تبدیل می‌گردد نه مرجع موازی یا مقدم.

در پایان، برآیند نهایی مقاله چنین است:

۱. موافقت‌نامه داوری در حقوق ایران سبب سلب مطلق صلاحیت ذاتی دادگاه

نمی‌شود؛ بلکه مانع قابلیت استماع و رسیدگی ماهوی دادگاه در محدوده اختلاف مشمول داوری است.

۲. دادگاه در مرحله ابتدایی باید صرفاً کنترل اجمالی (Prima Facie) انجام دهد و

تشخیص تفصیلی اعتبار یا دامنه شرط را به داور بسپارد؛ مگر در فرض استثنایی بطلان یا عدم قابلیت داوری/اجرا.

۳. اصل صلاحیت نسبت به صلاحیت، همراه با استقلال شرط داوری، باید مبنای

تفسیر مقررات داخلی و جهت‌دهنده رویه قضایی باشد تا توازن میان صلاحیت عام دادگاه و کارآمدی داوری حفظ گردد.

۴. مداخله دادگاه یک مداخله مرحله‌ای است: پیشینی (کنترل اجمالی و احاله)، حین داوری (حمایتی و تکمیلی)، و پسینی (نظارت محدود بر رأی).

در نهایت، پیشنهاد می‌شود برای انسجام بیشتر نظام داوری داخلی، قانون‌گذار یا دیوان عالی کشور با تبیین روشن‌تر عنوان تصمیم دادگاه در مواجهه با شرط داوری (ترجیحاً «قرار عدم استماع/توقف رسیدگی ماهوی»)، حدود کنترل اجمالی دادگاه و جایگاه ایراد خوانده را به‌گونه‌ای تنظیم کند که هم اصل حاکمیت اراده و اعتماد به داوری تقویت شود و هم نقش دادگاه در پاسداشت نظم عمومی و حمایت از دادرسی عادلانه محفوظ بماند. چنین جهت‌گیری‌ای می‌تواند از صدور آرای متعارض جلوگیری کرده، امنیت حقوقی طرفین را افزایش دهد و داوری را به‌مثابه نهادی مکمل و کارآمد در کنار دادگستری تثبیت کند.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- اسکینی، ربیعا، داوری پذیری دعاوی در حقوق ایران، مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران، تهران: مؤسسه ی مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۱.
- افتخار جهرمی، گودرز، السان، مصطفی؛ آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، تهران: میزان، ۱۳۹۹.
- امیرمعزی، احمد، داوری بین المللی در دعاوی بازرگانی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۷.
- پور نوری، منصور، «حمایت قضایی از آرای داوری در ایران»، در داوری نامه ۱، زیر نظر نقیعی، سید حسین، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز داوری اتاق ایران، ۱۳۸۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دانشنامه حقوقی، جلد ۳، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- حسینی روحانی قمی؛ سید محمدصادق، فقه صادق (علیه السلام)، ج ۲۲، قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۲.
- حیاتی، علی عباس، قواعد عمومی قراردادها، تهران: میزان، ۱۳۹۶.
- حیاتی، عباس علی، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، تهران: میزان، ۱۳۹۴.
- خزایی، حسین، حقوق تجارت بین الملل: داوری، جلد هفتم، چاپ اول، تهران: نشر قانون، ۱۳۸۶.
- درویشی هویدا، یوسف، شیوه های جایگزین حل و فصل اختلافات، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- صدرزاده افشار، محسن، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- صفایی، سید حسین، حقوق بین الملل و داوری های بین الملل، تهران: میزان، ۱۳۷۵.
- صفایی، سید حسین، قاسم زاده، سید مرتضی، اشخاص و محجورین، سمت، ۱۳۸۵.

- کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی، چاپ هفتم، تهران: نشر میزان. ۱۳۸۶.
- مافی، همایون، شرحی بر قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۷.
- معاونت آموزش قوه قضاییه، مجموعه نشست های قضایی، آیین دادرسی مدنی، ج ۵، قم: نشر قضا، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- مهاجرى، على، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، ج ۴، تهران: انتشارات فکرسازان، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران: میزان، ۱۳۹۷.

ب) منابع عربی

- انصاری، مرتضی بن محمد بن امین، مکاسب، قم: بزرگداشت شیخ انصاری، ۱۴۱۵.
- حکیم، محسن، نهج الفقاهه، قم: انتشارات ۲۲ بهمن، بی تا.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه مکاسب، تهران: دارالمعارف اسلامیه، ۱۳۷۸.
- طوسی، ابن جعفر محمد بن الحسن، کتاب الخلاف، مطبعة اسلامیه، ۱۴۱۷.

ج) مقالات

- بهبهانی، محمدرحیم، جایگاه نهاد داورى در حقوق ایران با رویکرد فقهی، مبانی فقهی حقوقی اسلامی، سال نهم، شماره دهم، ۱۳۹۵.
- تقی پور، بهرام، مسئولیت داور در حقوق ایران و برخی کشورها، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
- شمس، عبدالله، بطحانی، سید فرهاد، ماهین حقوقی داورى، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۰، ۱۳۹۴.
- لیو، جولیان دی. ام، «تحقق رویا: داورى خود آیین»، ترجمه فیض الله جعفری، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و ششم، شماره ۴۰، ۱۳۸۸.
- محسنی، محمد حسن، ابلاغ رأی داور با ارسال اظهارنامه به طرفین: بررسی دادنامه تجدیدنظر استان تهران، دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی، بهار و تابستان ۱۴۰۳.

چ) پایان نامه

- فلاح، محمدرضا، تقریرات درسی داوری بین‌المللی، دوره ی کارشناسی ارشد دانشگاه شاهد؛ دانشکده علوم انسانی، ۱۳۹۵.
- محسنی دربندی، نسترن، قواعد حقوقی حاکم بر انصراف از حق در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۸.

ح) منابع انگلیسی

- Belohlavek, A. (۲۰۲۱)»,The Legal Nature of International Commercial Arbitration and the Effects of Conflicts Between Legal Cultures, Law of Ukraine, No.۲.
- Berger,Klaus Peter, (۲۰۰۷),*Re-examining the Arbitration Agreement: Applicable Law- Consensus or Confusion?*In Albert Van Den Berg (ed), International Arbitration ۲۱۹: Back to Basics? ICCA Congress Series ۲۰۰۶ Montreal ۱۳, Kluwer Law International.
- Frank, suusan (۲۰۱۹). The Legitimacy Crisis in Investment Treaty Arbitration: Praising Pholic International Law Through inconsistent Decisions, Article ۱۰, Volume ۷۳ Issue۴.
- Lew, Julian, Loukas A. Misteles, Stefan M. Kroll, (۲۰۰۳), Comparative International Commercial Arbitration, Kluwer Law International.
- O-Lando, Ole (۲۰۱۵) "The Lex Mercatoria in International Commercial Arbitration". Rubino-Sammartano, Mauro, (۲۰۱۰), »International Arbitration Law, Kluwer Law and Taxation Publishers«, Netherlands.
- Yu, Hong-Lin., (۲۰۰۸), A Theoretical Overview of the Foundations of International Commercial Arbitration, Contemporary Asia Arbitration Journal.